

فصل‌نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۴، شماره ۵۱، بهار ۱۴۰۱، صص ۱۳۶-۱۵۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۱۹

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2022.690476](https://doi.org/10.30495/dk.2022.690476)

بررسی گفتار قالبی کنایه و کارکردهای آن در چرند و پرند دهخدا

سعیده بیرجندی^۱، دکتر رضا شجری^۲، دکتر علیرضا فولادی^۳، دکتر امیرحسین رسول‌نیا^۴

چکیده

گفتار قالبی یا گفتار کلیشه‌ای، جزئی جدانشدنی از هر زبان است. این نوع گفتار با دو ویژگی ایجاز و عمق معنا، مطلب مورد نظر گوینده را به شکلی واضح‌تر به مخاطب منتقل می‌کند. همچنین بیشتر در زبان محاوره متجلی می‌شود و ریشه در جامعه و فرهنگ دارد. یکی از گونه‌های گفتار قالبی، کنایه است. کنایات به عنوان شناخته‌شده‌ترین کلیشه‌های زبانی، کارکردهای خاص خود را دارند. کنایه در «چرند و پرند» نیز با بسامد بسیار بالا به کار رفته است. بررسی کنایات و کارکرد آن‌ها در این اثر دهخدا، افزون بر شناخت سبک نویسنده، از لحاظ فرهنگی و اجتماعی نیز مفید خواهد بود و می‌تواند زوایای پنهان متن و مفاهیم مخفی مندرج در آن را بهتر نمایان کند. پژوهش حاضر با روش کیفی (تحلیلی-توصیفی) به بررسی کنایه و کاربرد آن در «چرند و پرند» دهخدا می‌پردازد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که دهخدا در این اثر، از کنایات زبانی و تصویری، بیشتر استفاده کرده است. بسیاری از کنایات او، نقیضه‌ای یا با ریشه غیرفارسی هستند و زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی دارند. همچنین این گونه گفتار قالبی، کارکردهای زیادی در اثر مورد بررسی دارد و استهزاء، اعتراض، انتقاد، افشاگری، ایجاز، ترسیم اوضاع جامعه، عینیت بخشیدن به شخصیت‌ها و نزدیک کردن نثر به زبان مردم از جمله این کارکردهاست.

کلمات کلیدی: گفتار قالبی، کنایه، دهخدا، چرند و پرند.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

birjandi@grad.Kashanu.ac.ir

^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. (نویسنده مسؤل)

shajary@kashannu.ac.ir

^۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

a.fouladi@modares.ac.ir

^۴ استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

rasoulnia@kashanu.ac.ir



مقدمه

گفتار قالبی یا کلیشه‌ای، به آن بخش از سخن می‌گوییم که به دلیل داشتن معنای شناخته، معمولاً هنگام سخن گفتن در مواقع مقتضی بر زبان مردم جاری می‌شود و انتقال پیام را ساده‌تر می‌کند و به این صورت، فرایند ارتباط با مخاطب آسان‌تر شکل می‌گیرد. گفتارهای قالبی، بیشتر در زبان محاوره دیده می‌شوند و یکی از امکانات پرکاربرد زبان محاوره را برای ادای مطلب تشکیل می‌دهند و گاهی هم از زبان محاوره به زبان نوشتار نفوذ می‌کنند. مهم‌ترین انواع گفتار قالبی عبارتند از: اصطلاحات، کنایه‌ها و ضرب‌المثل‌ها.

کنایه یکی از پرکاربردترین گونه‌های گفتار قالبی است؛ زیرا مفاهیم را به صورت عینی در می‌آورد، تا جایی که برای مخاطب قابل فهم‌تر باشد. همچنین کنایه با در برداشتن ویژگی ایجاز، عمق و وسعت معنا و آشنا بودن برای مخاطب، این امکان را به گوینده می‌دهد تا مطلبش را با کمترین کلمات و بیشترین معنا به مخاطب منتقل کند. کنایه می‌تواند به عنوان تکنیکی برای حسن تعبیر به کار رود؛ آنجا که گوینده می‌کوشد تا با الفاظی زیبا سخنش را ادا کند یا از بیان کلامی که قبح دارد، اجتناب نماید.

در دوره مشروطه با روی کار آمدن روزنامه‌ها، نثر هرچه بیشتر به زبان مردم نزدیک شد. در این میان، روشنفکران و صاحبان قلم، مقالاتی را در روزنامه‌ها با هدف نشان دادن معایب جامعه و اصلاح سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منتشر کردند که به زبان مردم نزدیک بود. یکی از این افراد، دهخدا، نویسنده مقالات «چرند و پرند» در روزنامه «صور اسرافیل» است که با استفاده از شیوه روایی و کاربرد تکنیک‌هایی مانند استفاده بسیار زیاد از گفتار قالبی، خصوصاً گفتار قالبی کنایه، کوشید تا نثر خود را به زبان مردم عادی جامعه نزدیک کند. مقالات داستان‌گونه دهخدا، دربرگیرنده کنایات فراوانی است که از لحاظ زبانی، فرهنگی و جامعه‌شناختی، حائز اهمیتند. این کنایات در واقع، منعکس‌کننده فضا و شرایط جامعه ایرانی در دوران مشروطه و اقشار و طبقات مختلف مردم آن دوران بوده‌اند که با مطالعه آنها، می‌توان به شناخت دقیق‌تری از جامعه آن دوران و زبان مردم اقشار مختلف، دست یافت. همچنین این گونه گفتار قالبی، برای دهخدا کاربردهای متنوعی در بیان معنای مورد نظرش داشته و با ویژگی‌های خاص خود، تأثیر عاطفی و معنایی کلام او را دوچندان کرده است. پس از بررسی دقیق کلمات، عبارات و جملات چرند

و پرند، به طور کلی، ۸۱ کنایه (غیر تکراری) در این مقالات یافت شد که مقاله حاضر به بررسی این گفتارهای قلبی و کارکردهایشان در مقالات چرند و پرند دهخدا خواهد پرداخت.

پیشینه تحقیق

با بررسی‌های انجام شده در کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها، پژوهش مستقلی که به بررسی کنایه در مقالات چرند و پرند و کاربرد آنها پرداخته باشد، یافت نشد. مقالاتی در حوزه گفتار قلبی‌شده زبان و کنایه، نوشته شده‌اند که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت:

ذوالفقاری در مقاله «گونه‌شناسی گفتار قلبی در زبان عامه» (۱۳۹۴)، مبانی نظری را برای گونه‌شناسی گفتار قلبی در زبان فارسی تبیین کرده است. او گفتارهای قلبی را در چهار گونه اصطلاحات، مثل، کنایه و تعابیر مثلی، تقسیم‌بندی کرده است.

سنجولی و واثق عباسی در مقاله «کنایه و قطب مجازی زبان در تاریخ بیهقی» (۱۳۹۷) انواع کنایات در تاریخ بیهقی را بر اساس نظریه یاکوبسن، بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که بیهقی با تصرف در ساختار نحوی جمله‌هایی که غالباً در محور هم‌نشینی زبان صورت می‌گیرد، از کنایه برای عینیت‌بخشی به مفاهیم ذهنی بیشترین بهره را برده است.

در تحقیق حاضر نخستین بار به بررسی گفتار قلبی کنایه و کارکردهای آن در چرند و پرند دهخدا پرداخته می‌شود.

روش تحقیق

در این مقاله، کنایه به عنوان یکی از انواع گفتارهای قلبی زبان محاوره در «چرند و پرند» دهخدا، شناسایی و استخراج شده و کارکرد و انواع آن با روش تحقیق تحلیلی-توصیفی بررسی شده است.

مبانی تحقیق

پژوهش حاضر به بررسی گفتار قلبی‌شده کنایه و کاربرد آن در مقالات «چرند و پرند»، خواهد پرداخت. پیش از ورود به موضوع اصلی، تعریف مفصلی از گفتار قلبی، کنایه و کاربرد آنها در کلام ارائه می‌شود:

گفتار قلبی

گفتارهای قلبی، بخشی از اجزای سازنده یک سخن گسترش‌یافته به شمار می‌روند؛ یعنی واحدهای حاضر و آماده‌ای هستند که گوینده و شنونده/مخاطب را از وظیفه توجه آگاهانه به

هر کلمه معاف می‌کنند (ر.ک: باغینی‌پور، ۱۳۷۹: ۴۸). این گفتارها در عین حال می‌توانند معانی خاصی را با مصادیق مختلف بیان کنند و ضمن گسترش کلام از لحاظ مفهومی در انتقال هرچه بهتر مفهوم و برقراری ارتباط با مخاطب نیز کارآمد هستند. «گفتار قالبی شده دربرگیرنده معانی ضمنی عاطفی هستند که حوزه کارکردی آنها زبان گفتار است» (ورتینکوف، ۱۳۸۰: ۷۹) و ممکن است از زبان گفتار وارد زبان نوشتاری و ادبی شوند. این نوع گفتار، نهادی اجتماعی است و نقش مهمی در روابط اجتماعی دارد (ر.ک: باغینی‌پور، ۱۳۷۹: ۴۷)؛ همچنین ریشه در فرهنگ یک جامعه داشته و از زیربنایی تاریخی و فرهنگی برخوردارند و به طور کلی، قسمتی از فرهنگ یک جامعه محسوب می‌شوند (ر.ک: خواجه‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۶). گفتارهای قالبی شامل؛ اصطلاحات و زبان‌زدها، کنایه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، مثل‌گونه‌ها و تعبیرمثلی هستند (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۴). سلام و احوالپرسی‌ها، هشدارها و عذرخواهی‌ها، دشنام‌ها، کنایات، متلک‌ها و دعاها، نمونه‌هایی از گفتارهای قالبی یک زبان را تشکیل می‌دهند.

ویژگی‌های گفتارهای قالبی شده

گفتار قالبی، ویژگی‌هایی کلی دارد که به این شرح است: ۱) کاربردی ویژه و موقعیت‌شناسانه دارند و استفاده به جا از آنها، نشان‌دهنده آشنایی فرد با هنجارهای اجتماعی است. ۲) در برقراری ارتباط موفق، تأثیرگذار هستند. ۳) این نوع گفتارها، بسیار متنوعند و بر تنوع آنها نیز افزوده می‌شود؛ زیرا مردم، همواره اصطلاحات جدیدی را می‌سازند و به این ترتیب بر شمار گفتارهای قالبی می‌افزایند. ۴) غالباً جنبه شفاهی دارند و به همین دلیل، تنها بخشی از آنها در فرهنگ‌ها ضبط می‌شود. ۵) قابلیت ترجمه ندارند و باید آنها را توصیف کرد. ۶) از لحاظ ساختار واژگانی، کوتاه اما دارای معانی عمیق و فشرده هستند که این خاصیت دو مزیت دارد؛ یکی سرعت در انتقال معنا و دیگری تعمیق معنا (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۷۳). ۷) نمی‌توان در ساختار واژگانی آنها خلأ قیاس به کار برد، اما می‌توان آنها را خلأ قانه استفاده کرد. ۸) این نوع گفتارها می‌توانند معرف شخصیت گوینده یا طبقه اجتماعی او نیز باشند. ۹) افزون بر این‌ها، کنایات دربردارنده معانی ضمنی هستند که در شرایط غیرصریح‌گویی از سر اضطرار یا اختیار، کاملاً به کار می‌آیند.

کنایه

کنایه، یکی از مهم‌ترین گونه‌های گفتار قالبی است (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۶۹). کنایه در

اصطلاح به کلامی می‌گویند که دارای دو معنای دور و نزدیک باشد و این دو معنا، لازم و ملزوم یکدیگر باشند (ر.ک: همایی، ۱۳۸۹: ۱۶۷؛ الهاشمی، بی تا: ۲۸۷). کنایه، نوعی مجاز است که در آن، اگرچه نظر به مجاز است، اما مانعی ندارد که معنی حقیقت هم از آن، استنباط شود (ر.ک: زرین کوب، ۱۳۷۹: ۷۳-۷۴). همچنین کنایه، یکی از حساس‌ترین مسائل زبان است؛ زیرا ممکن است که خواننده منظور کنایه‌های گوینده را متوجه نشود (ر.ک: شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۳۶). کنایه، چندین ویژگی دارد که برخی از آنها بدین شرحند: «۱) دو بعدی بودن: کنایه یک معنای دور و یک معنای نزدیک دارد. ۲) عینیت بخشیدن به امور ذهنی؛ مثلاً ضعیف بودن، ذهنی است، اما از «عهد موری برنیامدن»، عینی و در انتقال مفهوم، قوی‌تر است. ۳) کنایه به دلیل دو بُعدی بودن، ابهام دارد. ۴) کنایه، ایجاز و مبالغه دارد» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۵: ۵۸-۶۵).

انواع کنایه

کنایات در یک تقسیم‌بندی سه‌گونه دارند: کنایه از اسم (موصوف): وقتی که صفت را می‌آورند و اسم را اراده می‌کنند؛ کنایه از صفت: وقتی که صفتی را می‌آورند و از آن، صفت دیگری را اراده می‌کنند (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۹۰)؛ کنایه از فعل (حال): وقتی که فعل، مصدر، جمله یا اصطلاحی در معنای فعل، مصدر، جمله یا اصطلاح دیگری به کار می‌رود (ر.ک: شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۳۸). کنایه همچنین از لحاظ وضوح و خفا به تلویح، رمز، نماد و تعریض تقسیم می‌شود (ر.ک: همان: ۲۴۱-۲۴۵). در تقسیم‌بندی دیگری، کنایه به دو دسته زبانی و ادبی تقسیم می‌شود. کنایات زبانی یا مردمی، کنایاتی هستند که در زبان مردم رواج دارند؛ مثل: «باد در سر داشتن». این نوع کنایات، خود به دو دسته خیالی و تصویری تقسیم می‌شوند. کنایه خیالی آن است که معنای اولیه آن، مصداق عینی و بیرونی نداشته باشد و کنایه‌های تصویری نیز آن دسته از کنایاتند که معنای اولیه آنها، مصداق عینی دارد. کنایه‌های ادبی هم آنهایی هستند که در زبان ادبی کاربرد دارند و در ساختمانشان، تشبیه، غلو یا ایجاز به شکلی شاعرانه به کار رفته است (ر.ک: سنجولی و واثق عباسی، ۱۳۹۷: ۷۶-۷۷).

کاربرد کنایه در کلام

زبان کنایی و دارای ابهام، یکی از گونه‌های بلاغی است که نویسنده به کمک آن می‌تواند ذهن خواننده را درگیر کرده و به چالش بکشد (ر.ک: شیخ و براهویی، ۱۳۹۸: ۱۷۴)؛ زیرا در فرایند انتقال از معنای اولیه به معنای ثانویه، ابعاد مختلف فکری نویسنده در ذهن خواننده،

تداعی می‌شود و لایه‌های باطنی اندیشه او کشف می‌شود و در نهایت به تأثیر و نفوذ عاطفی یا معنایی می‌انجامد (ر.ک:سنچولی و واثق عباسی، ۱۳۹۷: ۶۸-۶۹). ذم و نکوهش، احترام، مهرجویی، تعریض و استهزاء و مبالغه (ر.ک: شیخ و براهویی، ۱۳۹۸)، مخفی کردن چیزی از عده‌ای یا بیان کلام و مفهومی عمیق همراه با اختصار از اغراض کنایه است. همچنین کنایه را نوعی «تشخص دادن به زبان» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۱۰۳) خوانده‌اند که زیبایی آن، عینیت بخشیدن به امور است (ر.ک: الهاشمی، بی‌تا: ۲۹۳). فرمالیست‌های روس، کنایه را روشی برای بیگانه‌سازی می‌دانند و معتقدند که کار زبان ادبی، بیگانه‌سازی است (ر.ک: وحیدیان کامیار، ۱۳۷۵: ۵۶-۵۷). همچنین کثرت رمز و کنایه در آثار یک دوره، نشان‌دهنده غلبه ترس در آن دوره است (ر.ک: زرین کوب، ۱۳۷۹: ۷۵).

ویژگی‌های نثر دهخدا در «چرند و پرند»

«چرند و پرند» نام مقالاتی است که علی اکبر دهخدا (۱۸۷۹-۱۹۵۶م) آن‌ها را در دوره مشروطه در روزنامه «صوراسرافیل» چاپ می‌کرد. او در این ستون، نوعی طنز ادبی جدید را که در ایران تا آن زمان ناشناخته بود به وجود آورد (ر.ک: رپیکا، ۱۳۸۲، ج ۲: ۶۴۰). دهخدا در این مقالات، سبک خاص خود یعنی عامیانه‌نگاری و ساده‌نویسی همراه با طنز را دارد. او نخستین کسی بود که ادبیات را به زبان مردم نزدیک (ر.ک: بالایی و کویی‌پرس، ۱۳۶۶: ۷۷) و برای این کار از اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و عبارات عامیانه در قالب طنز استفاده کرد. دهخدا در عین حال واقع‌گرا بود (ر.ک: نیکوهمت، ۱۳۸۲: ۷۹؛ بهزادی‌اندوه‌جردی، ۱۳۷۸: ۶۱۷-۶۱۹). دهخدا در طنز خود از تکنیک‌هایی مانند: تک‌گویی، گفت‌وگو، شخصیت‌پردازی، داستان، تمثیل، نامه، کنایه و طعنه بهره می‌جوید (ر.ک: آژند، ۱۳۸۴: ۲۵۲). نثر دهخدا نثری عامیانه و روزنامه‌ای و طنزآمیز و انتقادی است (ر.ک: براهنی، ۱۳۶۲: ۵۳۶-۵۳۷).

بحث

چنانکه پیش‌تر گفته شد، کنایه به عنوان یک گونه گفتار قالبی در مقالات دهخدا، بسامد بسیار بالایی دارد و استفاده از کنایه یکی از تکنیک‌های مورد علاقه او بوده است. در این قسمت، ساخت‌های کنایه و کارکردهای این گونه گفتار قالبی را با توجه به موقعیت‌های کلامی در مقالات دهخدا، بررسی خواهیم کرد:

انواع ساخت‌های کنایه در چرند و پرند

گفتار قالبی کنایه در مقالات دهخدا ساخت‌های زیر را دارد:

کنایات زبانی و ادبی

با بررسی مجموع ۸۱ کنایه موجود در چرند و پرند دهخدا، این نتیجه حاصل شد که ۶۸ مورد از آنها کنایه زبانی، ۲ مورد کنایه ادبی و ۱۱ مورد نیز کنایه نقیضه‌ای هستند. همانطور که از این آمار بر می‌آید، بیشترین تعداد کنایات چرند و پرند از نوع زبانی؛ یعنی کنایات رایج در زبان مردم و غالباً بدون ابهامند؛ زیرا دهخدا به استفاده از زبان عامیانه، اصرار دارد و به همین دلیل، بیشتر کنایاتش را از زبان مردم، انتخاب کرده است. همچنین ۲ کنایه «سر سپردن» و «جوز شکستن» (هر دو به معنی تسلیم شدن و خدمت کردن) از نوع کنایه ادبی است که از آداب و رسوم فرقه‌ای اهل حق گرفته شده است (ر.ک: رحیمی و امیراسماعیل، ۱۳۹۵: ۱۲۴). ناگفته نماند با توجه به اینکه چرند و پرند، مربوط به دوره مشروطه و یک قرن پیش است، طبیعی است که بسیاری از کنایات زبانی موجود در آن در میان مردم روزگار ما، چندان رایج نباشد؛ مثل: «عهد پادشاه وزوزک» (دهخدا، ۱۳۸۳: ۲۳) که کنایه از (زمان بسیار قدیم) است. در دوران معاصر، مردم از عبارت «عهد دقیانوس» به جای «عهد پادشاه وزوزک»، استفاده می‌کنند، اما این کنایه در زمان نویسنده، رایج بوده است. در مقابل، بسیاری از کنایات چرند و پرند در دوران ما نیز همچنان به کار می‌روند. «به ضرب چماق» (همان: ۴۷) و «دست و پایم را گم کردم» (همان: ۷۰) از این دسته‌اند.

همانطور که اشاره شد در مقالات دهخدا، ۱۱ مورد نیز کنایه نقیضه‌ای وجود دارد که ساخته ذهن خود او است که وی با دانش لغوی و زبان خاص خویش، آنها را از روی القاب و عناوین برای طنز ساخته و به کار گرفته است؛ کنایاتی مانند: «عزیز الإیاله»، «خوشگل خلوت»، «قشنگ حضور»، «ملوس الملک»، «چماق الشریعه»، «حاجب الشریعه»، «پارک الشریعه»، «کالسکه الإسلام»، «میز و صندلی المذهب»، «اسب روسی الدین» که در عبارات «آن وقت در ایران معشوق السلطنه، محبوب الدوله، عزیز الإیاله، خوشگل خلوت، قشنگ حضور، ملوس الملک نبود. در قصرها هم سرسره نساخته بودند. ملاهای آن وقت هم چماق الشریعه، حاجب الشریعه، پارک الشریعه نداشتند.... خلاصه آن وقت کالسکه الإسلام، میز و صندلی المذهب، اسب روسی الدین وجود نداشت» (همان: ۲۳) به کار رفته‌اند. کنایات نقیضه‌ای را می‌توان از نوع

کنایات ادبی یا زیرمجموعه آنها در نظر گرفت.

کنایات از لحاظ به کارگیری مکنی‌عنه

در مقالات دهخدا، انواع کنایه از لحاظ مکنی‌عنه وجود دارد:

۴۷ کنایه از مجموع ۸۱ کنایه زبانی موجود در چرند و پرند، کنایه از فعل است؛ مانند «دردسر دادن» به «معنای «مزاحم شدن» و «آب برداشتن» به معنای «هزینه داشتن» (همان: ۳۳).
۳۰ کنایه از این کنایات نیز کنایه از صفت است؛ مانند «موی دماغ» (همان: ۱۲) به معنای «مزاحم» و «گردن کلفت» (همان: ۵۰) به معنای «زورگو».
۱۵ کنایه از آنها هم کنایه از اسم است؛ مانند «انشر و منشر» (دهخدا، ۱۳۸۳: ۲۶) به معنای «غوغا و آشوب» و «الم سرات» (همان) به معنای «بلوا و آشوب».

جا دارد درباره تقسیم‌بندی کنایات از لحاظ وضوح و خفا در چرند و پرند بیفزاییم چون هدف دهخدا از به کار بردن کنایه، نزدیک کردن زبانش به درک مردم و نشان دادن معایب موجود به آنان بوده و نیز به این دلیل که او نویسنده‌ای واقع‌گرا است، بنابراین بیشتر کنایاتش از نوع ایما و تعریض است. زیرا واسطه‌ها در ایما کم است و به همین مناسبت، معنا آشکار است و هدف تعریض نیز، گوشه‌زدن و انتقاد است.

کارکرد کنایه بر اساس موقعیت‌های کلامی در چرند و پرند

همانطور که ذکر شد، کنایه در مقالات دهخدا، بسامد بالایی دارد، اما اینکه چرا و به چه منظوری او در کلامش یا در گفت‌وگوهای بین شخصیت‌هایش از این گفتار قالبی استفاده کرده، موضوعی است که باید مورد بررسی قرار بگیرد. دهخدا غیر از اینکه زبان‌شناس و لغت‌شناس بوده، به عنوان یک مصلح اجتماعی، دغدغه اصلاح جامعه‌اش را نیز داشته و همواره می‌کوشیده تا معایب جامعه‌اش را ابتدا به مردم نشان دهد و سپس در جهت اصلاح آن عمل کند. در همین راستا، استفاده از گفتار قالبی کنایه به او در رسیدن به هدفش کمک می‌کرده است. موقعیت‌های کلامی و بافتی، مانند: رعایت اختصار، رعایت ادب، انتقاد، مبالغه، استهزا و تحقیر، عینیت بخشی به شخصیت‌ها و ترسیم اوضاع جامعه از دلایل به کارگیری این گفتار قالبی در کلام دهخدا است که در این قسمت به آنها خواهیم پرداخت و پیشتر بگوییم گاهی یک کنایه ممکن است چند کارکرد داشته باشد:

ایجاز در کلام

یکی از ویژگی‌های هر گونه گفتار قالبی، کوتاهی آن است. این گفتارها در عین اختصار و ایجاز لفظی‌اشان، دارای معانی عمیق و فشرده هستند (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۷۳). این ویژگی در برقراری ارتباط با مخاطب، نقش مهمی دارد؛ زیرا بنا به گفته هاشمی، رعایت اصل اختصار در کلام به شرط حفظ محتوای آن، یکی از راه‌های برقراری ارتباط موفق با افراد است (ر.ک: هاشمی، ۱۳۸۸: ۷۹). از آنجا که چرند و پرند در روزنامه منتشر می‌شده و ایجاز و سرعت در انتقال اخبار و مطالب، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مطالب روزنامه‌ای است، دهخدا با استفاده از انواع کنایات، کوشیده تا این دو مؤلفه را رعایت کند؛ یعنی با به کارگیری کنایات رایج در زبان مردم، مطالب عمیقی را با زبان خود آنها و همراه با اختصار، منتقل کرده است. همچنین کنایات به دلیل دو بعدی بودن، معنا را بهتر و کامل‌تر منتقل می‌کند و در عین حال، مخاطب نیز چون با این کنایات، آشنا است و کاربردشان را می‌داند، سریع‌تر و با شفافیت بیشتری، مطلب را درک می‌کند:

«اگر ارس بشویم، دینمان برود، باز دنیامان سر جاش است، اما حالا که خسر الدنیا و الآخره» (دهخدا، ۱۳۸۳: ۶۷).

عبارت «خسر الدنیا و الآخره» برگرفته از آیه قرآن (حج/۱۱) و به معنای از دست دادن دنیا و آخرت هر دو با هم و ضرر کردن بسیار است و در مواقعی آن را می‌گویند که شخص، بسیار ضرر کرده، به گونه‌ای که نه بهره‌ای از مادیات دارد و نه از معنویات. گوینده با این چند کلمه، مفهوم گسترده‌ای را می‌رساند. اگر دهخدا از این کنایات استفاده نمی‌کرد، باید هر کدام از معانی مورد نظرش را به تفصیل توضیح می‌داد.

رعایت ادب

در بسیاری از موارد، گفتار قالبی کنایه به منظور رعایت ادب به کار می‌رود. دهخدا در مقالاتش، کنایاتی دارد که برای رعایت ادب یا حسن تعبیر، آنها را به کار گرفته است؛ مانند: «بقچه‌کشی پسرهای قوام الملک را به گردن گرفته» (دهخدا، ۱۳۸۳: ۱۳۵). «بقچه‌کش» به معنی «دیوث و میانجی میان زن و مرد است» (دهخدا، ۱۳۴۲، ج ۳: ۳۵۰۵). نویسنده به جای توضیح کردار آن شخص با این کنایه به صورتی مؤدبانه‌تر کردار او را توضیح داده است.

مبالغه

زبان دهخدا، طنزآمیز است و بزرگ‌نمایی، اغراق و مبالغه نیز از ویژگی‌های طنز است. دهخدا در بسیاری از مواقع، به کمک کنایات در مفاهیم اغراق کرده است:

«آسایش مطلقه، تمام دنیا را از ماهی‌های دریا تا مرغ‌های هوا فراگرفته است» (دهخدا، ۱۳۸۳: ۱۵۳).

در این جمله کنایی، ضمن مبالغه، استهزا نیز نهفته است. این جمله در انتقاد از اوضاع نابسامان ایران آن روزگار و عدم آسایش فکری و روانی مردم است.

«از شاه و گدا همه او را می‌شناسند» (همان: ۱۰۱).

«از شاه و گدا» کنایه از «دارا و ندار/ همه مردم» است. این جمله در وصف یکی از مسئولین مملکتی آن دوران، گفته شده است که بدون زحمت زیادی به مقام و لقبی دست یافته بود که شایستگی‌اش را نداشت (این ماجرا در قسمت تعریض به تفصیل بیان می‌شود).

عینیت بخشی به شخصیت‌ها

بیشتر کنایات موجود در مقالات دهخدا از زبان شخصیت‌هایش بیان می‌شود. این شخصیت‌ها (تیپ‌های شخصیتی) که هر کدام نماینده یک طبقه از جامعه هستند، زبانی ویژه و متناسب با طبقه خود را دارند و دهخدا با مهارت خاص خویش، کوشیده تا طبقات جامعه‌اش را از گذر همین تیپ‌های شخصیتی معرفی کند. گفتار قالبی کنایه به دهخدا کمک می‌کند تا به شخصیت‌هایش جان بدهد و آنها را در نظر خواننده/ مخاطب، زنده و حقیقی جلوه دهد. همچنین طبقه اجتماعی شخصیت‌هایش را نیز نشان می‌دهد؛ زیرا بنا به گفته باطنی «زبان طبقات مختلف مردم یک جامعه با هم تفاوت دارد» (باطنی، ۱۳۵۴: ۳۳) و هنر نویسنده وقتی بیشتر متجلی می‌شود که بتواند این تفاوت‌ها را منعکس کند. در این میان، بسیاری از کنایات به این منظور به کار رفته‌اند که شخصیت‌ها را برای مخاطب، زنده و ملموس کنند:

«نم در بین اینکه چانه‌اش خوب گرم شده بود.. می‌گفت: هان ورپریده» (دهخدا، ۱۳۸۳: ۵۷).

«گرم شدن چانه» کنایه از پرحرفی است.

«اینطور مطلب خرفهم‌تر می‌شود» (همان: ۲۳).

«خرفهم» کنایه از «به زور تفهیم کردن و خوب فهماندن است» (دهخدا، ۱۳۴۲، ج ۱: ۲۳۲۰).

«یک شور و غوغایی بر پا یک قیامت و الم‌سرای راه افتاده که نگو و نپرس» (دهخدا، ۱۳۸۳: ۵۲).

«قیامت» و «الم‌سرات» کنایه از شلوغی و شور و غوغا است.

«بچه‌های چاله‌میدون همشون سلوم دعای بلند بهت می‌رسون» (همان: ۸۵).

«بچه‌های چاله‌میدون» کنایه از (لات و لوت / داش‌مشی) است. در همه این نمونه‌ها، کنایات به کار رفته در جملات در انتقال لحن و حس و حالت شخصیت به مخاطب، مؤثر است. مثلاً «چاله‌میدون» هم از لحاظ خود کلمه و هم به دلیل شکسته‌نویسی هجای آن (میدون به جای میدان) در کنار سایر اجزای جمله، لحن خاص داش‌مشی را به مخاطب منتقل می‌کند.

انتقاد و تعریض

«تعریض در عرف به معنی گوشه زدن» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۴۱-۲۴۵) و یکی از انواع کنایه است (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۱۴۱) که می‌تواند یکی از اغراض آن هم باشد. بسیاری از کنایات دهخدا با غرض گوشه‌زدن و انتقاد بیان شده است. این مسأله به خصوص در کنایات نقیضه‌ای‌اش دیده می‌شود.

«عزیز الایاله»، «خوشگل خلوت»، «قشنگ حضور»، «ملوس الملک» (دهخدا، ۱۳۸۳: ۲۳)، در انتقاد به بعضی از زنان با نفوذ درباری و «چماق الشریعه»، «حاجب الشریعه»، «پارک الشریعه»، «کالسکه الإسلام»، «میز و صندلی المذهب»، «اسب روسی الدین» (همان) در انتقاد به سلوک و رفتار و کردار بعضی از علمای دینی زمانش و سوءاستفاده آنها از موقعیت مذهبی‌شان و «أب الملة» (همان: ۱۳۷) در تعریض و انتقاد از کردار یکی از رجال سیاسی آن دوران و رفتار دوگانه او نسبت به مردم، به کار رفته است.

دهخدا از کنایات با هدف انتقاد و تعریض بسیار استفاده کرده است:

«حاج ملک التجار را هم می‌گویند ملقب به «امین ملت» کرده، چه دردسر بدهم، استخوان‌ها خرد کرده، دود چراغ‌ها خورده تا حالا به این مقام رسیده... حسن سلوکش به درجه‌ای است که با همه اهل این شهر از مسلمان و زردشتی.. مستبد و مشروطه راه دارد.. از شاه و گدا همه او را می‌شناسند» (همان: ۱۰۱).

«استخوان‌ها خرد کرده» و «دود چراغ‌ها خورده» کنایه از متحمل شدن زحمت بسیار، برای رسیدن به چیزی است. با توجه به مطالبی که دهخدا در این متن نوشته، مشخص است که او،

شخص مورد نظرش را متهم کرده که بدون زحمت به چنین لقب و سمتی نائل شده است. «أب الملة» (همان: ۱۳۷) به معنی تحت‌اللفظی «پدر ملت» و کنایه از «شخص دلسوز ملت». او این کنایه را به عنوان لقب، برای یکی از رجال سیاسی زمانش به قصد گوشه‌زدن و استهزا استفاده کرده است. این لقب/کنایه، متناسب با هدف نویسنده (گوشه‌زدن) چنان که در آن دوران رایج بوده که برای احترام به کسی و بزرگداشت مقام او، برایش از القاب عربی استفاده می‌کردند، به صورت عربی ساخته شده است؛ یعنی در ظاهر به نظر می‌رسد که لقب آن شخص و در مقام احترام به اوست، اما در حقیقت، دهخدا با این لقب، دلسوز ملت نبودن آن شخص را به صورت کنایی و با تعریض و تهکم، نشان داده است.

استهزا

کنایه به دلیل دو بعدی بودن و مزایا و ویژگی‌هایی که از این جنبه دارد، می‌تواند تکنیک مناسبی برای استهزا و تحقیر باشد. دهخدا در بسیاری از مقالاتش از گفتار قالبی کنایه برای استهزا و تحقیر رجال دینی یا سیاسی یا اوضاع آن زمان جامعه‌اش استفاده کرده است. باید توجه داشت که در بیشتر مواقع، در ضمن استهزا و تحقیر، نوعی افشاگری هم وجود دارد و این مسأله را در ضمن سایر کارکردهای کنایه، از جمله انتقاد و تعریض هم می‌توان دید:

«یک وقت آدم صدرالأنام شیرازی و میرزا جواد تبریزی را می‌بیند که از غم ملت، آش و لاش شده‌اند و در سر هر کوچه... فریاد وا ام‌تا می‌زنند... آن وقت بعد از مدتی.. با ماهی شصت هزار تومان، بقیچه‌کشی پسرهای قوام‌الملک را به گردن گرفته، زینت افزای ایالت فارس می‌گردد» (دهخدا، ۱۳۸۳: ۱۳۵).

دهخدا در این سطور، میرزا جواد تبریزی و صدرالأنام شیرازی را که از مشروطه‌خواهان به نام آن دوران بودند، متهم به ارتباط با شاه و عوامل دربار و رشوه‌خواری می‌کند (ر.ک: خرابی، ۱۳۸۶: ۴۴). بنا به گفته دهخدا، این دو نفر در آن دوران، در هر کوی و برزن و بالای هر منبری، سنگ مردم را به سینه می‌زدند و از غم مردم «آش و لاش» (کنایه از مجروحیت و ناراحتی شدید) شده بودند، اما پس از مدتی، غم مردم را فراموش کرده و یکی از آن دو به ازای دریافت حقوقی ماهانه، «بقیچه‌کشی» پسران قوام‌الملک، کلانتر و حاکم شیراز را که خود از عوامل رنج دادن مردم بودند، عهده‌دار می‌شود. «بقیچه‌کش»، چنانکه پیش‌تر ذکر شد، به معنی دیوث، میانجی میان زن و مرد و قلتبان است (ر.ک: دهخدا، ۱۳۴۲، ج ۳: ۳۵۰۵).

نمونه‌های کنایه با غرض استهزا و تحقیر در مقالات دهخدا زیاد است؛ زیرا نگاه دهخدا به مسائل، همواره انتقادی بوده است:

«این گرت مرت‌ها چه می‌دانم چه خاک و خلی است که به بچم می‌دهند» (دهخدا، ۱۳۸۳:

۵۵).

«گرت مرت» کنایه از «دوا و دارو» و «خاک و خل» کنایه از «آشغال و چیزهای بی‌ارزش» است. این جمله را دهخدا از زبان یکی از شخصیت‌های مقالاتش آورده است. این شخصیت، زنی بیسواد و خرافی است که برای درمان تنها فرزندش، داروها و درمان پزشکی و راه‌کارهای علمی را تحقیر کرده و آنها را «گرت مرت» و «خاک و خل» می‌داند و در عوض، سراغ دعا و طلسم و جن‌گیری می‌رود. دهخدا با این کنایه، هم سطح فکری و فرهنگی آن زن را نشان داده است، هم لحن کلام او را به مخاطب منتقل کرده است و هم خود آن شخصیت را با این نوع نوشتار و استفاده از چنین گفتاری، برای مخاطب، زنده‌تر و ملموس کرده است. همچنین دهخدا با این کنایات، اوضاع و سطح فرهنگی عمومی جامعه آن دوران را نیز برای مخاطب، ترسیم نموده است که در بخش بعدی به طور مفصل این مسأله را بررسی کرده‌ایم.

ترسیم اوضاع جامعه

دهخدا یک نویسنده واقع‌گرا است و نویسنده واقع‌گرا به قول یاکوبس «شیفته جزئیات کنایی است» (سنچولی و واثق عباسی، ۱۳۹۷: ۸۲). از طرفی، کنایه بیشتر در جوامعی به کار می‌رود که آزادی بیان ندارند (ر.ک: زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۷۵). دهخدا در سراسر مقالاتش در پی نشان دادن خفقان موجود در جامعه‌اش است. او می‌خواهد اولاً اعلام کند که آزادی بیان و عقاید در جامعه آن روزگار نبوده، ثانیاً این خفقان را به شکلی طنزگونه، نمایش بدهد:

«گفتم: جانم را از صحرا پیدا نکرده‌ام، تو آسوده باش، هیچ وقت از این حرف‌ها نخواهم

نوشت» (دهخدا، ۱۳۸۳: ۳۷).

این جملات را دهخدا خطاب به یکی از همکارانش در دفتر روزنامه، وقتی او را از بازگو کردن و انتشار برخی اخبار و حقایق منع کرده بود و به او نسبت به عواقب انتشار اینگونه مقالات و اخبار هشدار داده بود، می‌گوید. «جانم را از صحرا پیدا نکرده‌ام»، کنایه از عزیز بودن جان است و جملات بعد از این کنایه، نشان از سانسورهای خبری، اختناق شدید و عدم آزادی بیان در آن دوران دارد. از این جملات و عبارات کنایی در مقالات دهخدا، فراوان است:

«عزیزم خرمگس، اولاد آدم مثل تو سر سلامت به گور نمی‌برد» (همان: ۲۸).

نویسنده این جمله را از زبان همکارش گفته، وقتی که به او نسبت به عواقب نوشتن مقالاتش، هشدار می‌دهد.

«بعد از این هم، آدم خودتان را بشناسید و بی‌گدار به آب نزنید، نه صوراسرافیل رشوه می‌گیرد و نه ...» (همان: ۷۹).

دهخدا این جمله را خطاب به یکی از مقامات کرمان و یکی از نمایندگان مجلس نوشته است. با توجه به توضیحات او، مشخص می‌شود که آنها هدایایی قیمتی را به عنوان رشوه و حق‌السکوت به دفتر روزنامه صوراسرافیل فرستاده بودند و مسؤولان این روزنامه، هدایا را پس فرستاده و چنین متنی را در پاسخ و اعتراض به این اقدام آنها نوشته و در روزنامه‌شان منتشر کردند. این جملات کنایی، غیر از ترسیم اوضاع جامعه آن دوران، افشاگری هم دارد. فساد برخی مسؤولان و عوامل حکومتی از دیگر مواردی بوده که مورد حمله دهخدا واقع می‌شده است:

«معلوم است. این همه مال که از راه حلال جمع نمی‌شود... لابد باید... مال فلان یتیم را، فلان صغیر را، فلان بیوه را به ضرب چماق گرفته باشند... می‌گویند میان این حاجی محمدتقی آقا با حکومت تبریز هم خیلی گرم است» (همان: ۴۷).

«به ضرب چماق» کنایه از (به زور) و «میانش با فلانی گرم است»، کنایه از (روابط صمیمی داشتن با کسی) است. دهخدا در این متن، از فساد مالی و رفتار شخصی به نام «حاجی محمد تقی صراف» انتقاد کرده و او را به تصرف اموال افراد و داشتن روابط نزدیک با مقامات تبریز، متهم کرده است.

کنایه به طور کلی، بر آمده از جامعه و فرهنگ و منعکس‌کننده اوضاع و روحيات مردم آن و حد فاصل بین زبان و جامعه است. از این رو، کنایات زمینه فرهنگی و اجتماعی دارند (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۷۳). کنایات مقالات دهخدا نیز همینطور است؛ یعنی بیشتر آنها زمینه اجتماعی دارند و پاره‌ای از آنها نیز زمینه فرهنگی-مذهبی دارند:

«امروز اینجا، فردا روز پنجاه هزار سال» (همان: ۶۷).

«فردا» کنایه از آن دنیا و «روز پنجاه هزار» کنایه از روز قیامت است که بر اساس آیات قرآن (معارج/۴)، یک روزش معادل پنجاه هزار سال به شمار سال‌های این دنیا است. این کنایات،

ریشه در مذهب و زمینه دینی-فرهنگی دارند و قسمتی از باورها و عقاید مردم و اوضاع جامعه را منعکس می‌کنند.

نزدیک کردن نثر به زبان مردم

گفتارهای قالبی از امکانات زبان محاوره به شمار می‌روند و به خصوص در گفت‌وگوهای عادی و روزمره، کاربرد وسیعی دارند (ر.ک: حقیقی و جوشکی، ۱۳۹۸: ۱). دهخدا با استفاده از کنایه، تلاش می‌کند تا گنجایش زبان را بالا ببرد به شکلی که زبان، ظرفیت ترسیم ابعاد مختلف زندگی و گفتار مردم را داشته باشد. قبل از دهخدا، زبان نوشتار از زبان مردم متفاوت بود، اما دهخدا تلاش کرد تا زبان را برای ارتباط برقرار کردن با مردم عادی، رام کند؛ به همین دلیل در مقالاتش از کنایات استفاده کرد و با کمک آنها، نثر را به زبان گفتاری نزدیک نمود. کنایات به دلیل ایجاز و چند بعدی بودن، این امکان را به نویسنده می‌دهند تا با الفاظ و عباراتی کوتاه، معنایی عمیق را منتقل کند و ذهن مخاطب را با ابعاد مختلفی از کلامش درگیر نماید. در جملات و کنایات زیر که از مقالات دهخدا گرفته شده‌اند، می‌توان نزدیکی به زبان مردم را دید:

«حالا که می‌بیند آن روی کار بالاست، دست و پایش را گم کرده» (دهخدا، ۱۳۸۳: ۳۳).

«وقتی حرف‌ها به اینجا می‌رسد، دست‌پاچه می‌شود» (همان: ۳۵).

«می‌ترسم سر و همسر بگویند دخو با همه شارت و شورتش ترسید» (همان: ۹۶). / «از چانه زد مفت، چه در می‌آید» (همان: ۱۳۷).

نتیجه‌گیری

در این مقاله، پس از شناسایی ۸۱ گفتار قالبی کنایه (غیرتکراری) در چرند و پرند دهخدا، نوع و کارکرد آنها مورد بررسی قرار گرفت و نتایج زیر حاصل شد:

دهخدا در مقالاتش، نوشتاری نزدیک به نوشتار محاوره‌ای و چه بسا با استفاده از عناصر زبان عامیانه دارد و همین مسأله موجب شده که زبانش، سبک خاص خود را داشته باشد. یکی از ویژگی‌های سبکی زبان او، استفاده از کنایه به عنوان گونه‌ای از گفتارهای قالبی است. این کنایات به مردمی شدن نثر او کمک می‌کند؛ چه بیشتر این کنایات از نوع زبانی است؛ زیرا دهخدا اصرار شدیدی به نزدیک کردن نثرش به زبان مردم و ملموس کردن آن برای مخاطب دارد. استفاده از کنایه به دهخدا این امکان را داده تا لحن، حس و حالت شخصیت‌های مقالاتش

را به مخاطب انتقال دهد و به این واسطه، آنها را در نظر مخاطب، زنده و محسوس و عینی کند. دهخدا همچنین از ویژگی دو بعدی بودن کنایات برای درگیر کردن چند جنبه ذهن خواننده استفاده کرده و با استفاده از این گونه گفتار قالبی، مفاهیمی عمیق را با ایجاز به مخاطب رسانده است. همچنین استفاده از کنایه در چرند و پرند، رئالیست بودن نویسنده و اوضاع جامعه را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، کثرت این کنایات در مقالات او، نشان‌دهنده خفقان جامعه آن روزگار است؛ یعنی نویسنده در شرایط آن روزگار، مجبور بوده که کلامش را به صورت دو یا چند بُعدی همراه با معانی ضمنی بیان کند. از سوی دیگر، کنایات برخاسته از فرهنگ و جامعه و منعکس‌کننده آداب و عادات مردم یک جامعه است که این ویژگی نیز در مقالات دهخدا دیده می‌شود. معمولاً دهخدا با استفاده از گفتار قالبی کنایه، لحنی طنزآمیز به کلامش بخشیده و شرایط روزگارش و زبان، اندیشه، سطح فکری و معیشتی اقشار مختلف مردم آن دوران را نشان داده است. او همچنین از کنایه در مقالاتش به منظور تعریض و گوشه‌زدن به برخی رجال سیاسی و دینی زمانش، استهزا و تحقیر، انتقاد و مبالغه، رعایت ادب و اختصار استفاده کرده است. در چرند و پرند، تعدادی کنایه نقیضه‌ای نیز وجود دارد که دهخدا با دانش زبانی و مهارت خود، آنها را ساخته و معمولاً کارکرد آنها، تعریض بوده است.

منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم.

آزند، یعقوب (۱۳۸۴) *تجدد ادبی در دوره مشروطه*، چاپ اول، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

باطنی، محمدرضا (۱۳۵۴) *چهار گفتار درباره زبان*، تهران: آگاه.

بالایی، کریستف؛ کویی‌پرس، میشل (۱۳۶۶) *سرچشمه داستان کوتاه فارسی*، ترجمه احمد کریمی حکاک، تهران: انجمن ایرانشناسی فرانسه در تهران.

براهنی، رضا (۱۳۶۲) *قصه‌نویسی*، چاپ سوم، تهران: نشر نو.

بهزادی‌اندوهجردی، حسین (۱۳۷۸) *طنز و طنزپردازی در ایران*، تهران: صدوق.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۳) *چرند و پرند*، به کوشش اکبر مرتضی‌پور، چاپ سوم، تهران: عطار.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۲) *لغتنامه*، تهران: سازمان برنامه و بودجه.

- رپیکا، یان (۱۳۸۲) تاریخ ادبیات ایران، جلد اول، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: سخن.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹) شعر بی دروغ شعر بی نقاب، چاپ هشتم، تهران: علمی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۹) موسیقی شعر، تهران: آگه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۰) بیان، چاپ اول، تهران: فردوس.
- نیکوهمت، احمد (۱۳۸۲) شاعران در سنگر مطبوعات، چاپ اول، تهران: موسی زاده.
- الهاشمی، احمد (بی تا) جواهر البلاغه، بیروت: المکتب العصریه.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۹) فنون بلاغت و صناعت ادبی، تهران: اهورا.

مقالات

- آقاگل زاده، فردوس؛ کرد زعفرانلو کابوزیا، عالیہ؛ هاشمی، افتخار سادات. (۱۳۸۹). شناسایی و توصیف گفتارهای قالبی شده در زبان فارسی بر پایه نقش عوامل جامعه‌شناختی زبان. *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، ۲(۳)، ۱۱۹-۱۳۴. DOI:10.22067/lj.v2i3.15916
- باغینی‌پور، مجید. (۱۳۷۹). گفتارهای قالبی و کاربرد خلاقانه آن. *مجله زبان‌شناسی*، ۱۵(۳۰)، ۴۵-۵۸.
- حقیقی، شهین؛ جوشکی، طاهره. (۱۳۹۸). گونه‌شناسی ساخت‌های قالبی در رباعیات مولوی. *بوستان ادب*، ۳(پیاپی ۴۱)، ۱-۱۸. DOI:10.22099/jba.2018.30043.3074
- خارابی، فارق. (۱۳۸۶). طنز در مطبوعات دوره آغازین مشروطیت. *نامه فرهنگستان*، ۹(۱)، ۳۴-۶۲.
- خواججه‌پور، بی نظیر؛ خزاعی فرید، علی؛ خوش سلیقه، مسعود. (۱۳۹۶). نظریه ذخائر فرهنگی زوهر و بررسی راهبردهای ترجمه ریزفرهنگ‌ها: مورد پژوهشی رمان دایی جان ناپلئون در برابر ترجمه انگلیسی. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۵۰(۱)، ۱-۲۵.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۷). تفاوت کنایه با ضرب‌المثل. *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ۶(۱۰)، ۱۰۹-۱۳۳.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۴). گونه‌شناسی گفتار قالبی در زبان عامه. *جستارهای ادبی*، ۶(۴)، ۶۹-۹۸.

رحیمی، مهری؛ امیراسماعیل، آذر. (۱۳۹۵). کتابشناسی فرقه اهل حق یارسان. عرفان اسلامی، ۱۳(۴۹)، ۱۱۹-۱۲۸.

سنچولی، احمد؛ واثق عباسی، عبدالله. (۱۳۹۷). کنایه و قطب مجازی زبان در تاریخ بیهقی. نشر پژوهی، ۲۱(۴۴)، ۶۵-۸۴.

شیخ، محمد؛ براهویی، زینب. (۱۳۹۸). کاربرد انواع و اغراض کنایه در مقامات بدیع الزمان همدانی. پژوهشنامه ادب غنایی، ۱۷(۳۳)، ۱۶۹-۱۸۸. DOI:10.22111/jllr.2019.4856
وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۷۵). کنایه نقاشی زبان. نامه فرهنگستان، ۲(۸)، ۵۵-۶۹.
ورتنیکوف، الکساندر. (۱۳۸۰). برخی گفتاری نحوی قالبی شده در زبان فارسی، ترجمه محسن شجاعی. مجله زبان شناسی، ۱۶(۱)، ۷۷-۸۲.

پایان نامه ها

هاشمی، افتخارسادات (۱۳۸۸) بررسی ساخت گفتارهای قالبی شده زبان فارسی در چهارچوب نقش گرای هلیدی، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما فردوس آقاگل زاده.

References

Books

The Holy Quran.

Al-Hashimi, Ahmad (No date) **Jawahar al-Balaghah**, Beirut: Al-Muktab Al-Asriya.

Azhand, Yaghoub (2005) **Literary Modernity in the Constitutional Period**, First Edition, Tehran: Institute for Research and Development of Humanities.

Balai, Christoph; Quipress, Michel (1987) **The Source of Persian Short Story**, translated by Ahmad Karimi Hakak, Tehran: French Iranian Studies Association in Tehran.

Batani, Mohammad Reza (1975) **Four Discourses on Language**, Tehran: Agah.

Behzadi Andohjerdi, Hossein (2000) **Humor and satire In Iran**, Tehran: Sadough.

Braheni, Reza (1983) **Story Writing**, Third Edition, Tehran: New Publication.

Dehkhoda, Ali Akbar (1964) **Dictionary**, Tehran: Program and Budget Organization.

Dehkhoda, Ali Akbar (2004) **Charand Vaparand**, by Akbar Morteza Pour, third edition, Tehran: Attar.

Homayi, Jalaluddin (2010) **Rhetoric and Literary Crafts**, Tehran: Ahura.

Nikohamat, Ahmad (2003) **Poets in the Press Fortress**, First Edition, Tehran: Musazadeh.

Repika, Jan (2003) **History of Iranian Literature**, Volume One, translated by Abolghasem Sari, Tehran: Sokhan.

Shafiee Kadkani, Mohammad Reza (2010) **Poetry Music**, Tehran: Ad.

Shamisa, Sirus (1992) **Bayan**, first edition, Tehran: Ferdows.

Zarrinkoob, Abdolhossein (2001) **Poetry without falsehood Poetry without mask**, eighth edition, Tehran: Scientific.

Articles

Aghagolzadeh, Ferdows; Kurdish saffron cabozia, excellent; Hashemi, Iftikhar Sadat. (2011). **Identification and description of formatted speeches in Persian language based on the role of sociological factors of language.** *Linguistics and dialects of Khorasan*, 2 (3), 119-134. DOI: 10.22067 / lj.v2i3.15916.

Baghinipour, Majid. (2001). **Template speech and its creative application.** *Journal of Linguistics*, 15 (30), 45-58.

Haghighi, Shahin; Joshki, Tahereh. (2020). **Typology of mold constructions in Rumi's quatrains.** *Garden of Literature*, 3 (41 in a row), 1-18. DOI: 10.22099 / jba.2018.30043.3074.

Khajehpour, Benazir; Khazaei Farid, Ali; Good taste, Massoud. (2018). **Theory of Zohar Cultural Resources and the Study of Transcultural Translation Strategies: A Case Study of Uncle John Napoleon's Novel vs. English Translation.** *Language and Translation Studies*, 50 (1), 1-25.

Kharabi, Faraq. (2008). **Humor in the press of the early period of constitutionalism.** *Academy Letter*, 9 (1), 34-62.

Rahimi, Mehri; Amira Ismail, Azar (2017). **Bibliography of the Ahl al-Haq sect of Yarsan.** *Islamic Mysticism*, 13 (49), 119-128.

Sancholi, Ahmad; Wathiq Abbasi, Abdullah (2019). **The irony and the virtual pole of language in the history of Beyhaqi.** *Prose Studies*, 21 (44), 65-84.

Sheikh, Mohammad; Brahui, Zeinab. (2020). **Application of types and purposes of irony in the authorities of Badi-ol-Zaman Hamedani.** *Journal of Lyrical Literature*, 17 (33), 169-188. DOI: 10.22111 / jllr.2019.4856.

Vahidian Kamyar, Taqi. (2001). **The irony of language painting.** *Academy Letter*, 2 (8), 55-69.

Vertnikov, Alexander. (2002). **Some syntactically structured speeches in Persian**, translated by Mohsen Shojaei. *Journal of Linguistics*, 16 (1), 77-82.

Zulfiqari, Hassan (2009). **The difference between irony and proverb.** *Persian Language and Literature Research*, 6 (10), 109-133.

Zulfiqari, Hassan (2016). **Typology of stereotyped speech in the vernacular.** *Literary Essays*, 6 (4), 69-98.

Theses

Hashemi, Eftekharsat (2009) **A Study of Structured Persian Speech Structures in the Context of Halliday Map**, Master's Thesis, Supervisor Ferdows Aghagolzadeh.

Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts
(Dehkhoda)

Volume 14, Number 51, Spring 2022, pp. 136-155

Date of receipt: 30/1/2020, Date of acceptance: 8/6/2020

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2022.690476](https://doi.org/10.30495/dk.2022.690476)

۱۵۵

The formulaic speech of *Metonymy* in "Charand o' Parand" and its function

Saeedeh Birjandi¹, Dr. Reza Shajari², Dr. Alireza Fouladi³, Dr. Amirhossein Rasoulnia⁴

Abstract

Formulaic speech is an integral part of any language. This speech, with its two permissive qualities and depth of meaning, transmits the narrator's content more clearly to the audience. This kind of speech is more expressed in the spoken language and is rooted in the community and culture of each language community. It has several kind, one of them is Metonymy. It has its own function both linguistically and semantically. Metonymy in "Charand o' Parand" has a very high frequency. Examining this kind of formulaic speech, in addition to recognizing the author's style, will be culturally and socially useful and effective. And it can better reveal the hidden angles of the text and the hidden meanings it contains. The present study is a qualitative (descriptive-analytical) study of metaphor and its application in Dehkhoda's "nonsense" articles. The results of this study show that Dehkhoda has used language linguistics more frequently in his articles. Many of his quotes are invented or non-Persian in origin and have cultural, social and religious backgrounds. He has also used this form of discourse to ridicule, protest, criticize, expose, authorize, depict society, objectify the characters of his articles, and bring prose to the language of the people.

Key words: Charand o' Parand, Dehkhoda, Formulaic speech, Metonymy, the function of Metonymy.

¹ . PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Kashan University Sisters Campus, Kashan, Iran. birjandi@grad.Kashanu.ac.ir

² . Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Kashan University, Kashan, Iran. (Corresponding author) shajary@kashannu.ac.ir

³ . Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Kashan University, Kashan, Iran. a.fouladi@modares.ac.ir

⁴ . Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Kashan University, Kashan, Iran. rasoulnia@kashanu.ac.ir

